****

[مراد از جمره در رمی 1](#_Toc489094111)

[فقهایی که جمره را ستون نمی دانند 1](#_Toc489094112)

[کلمات فقهاء عامه 2](#_Toc489094113)

[شواهد روایی 3](#_Toc489094114)

[شواهد تاریخی 4](#_Toc489094115)

**موضوع**: رمی جمره /اعمال منی /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## مراد از جمره در رمی

### فقهایی که جمره را ستون نمی دانند

گفته شده از کلمات فقهاء استفاده می شود که فقهاء جمره را ستون نمی دانند، مثل شهید ثانی و صاحب ریاض و محقق کرکی و علامه و محقق حلی گفته اند: لو وقعت على شي‌ء و انحدرت على الجمرة صح.

تعبیر انحدرت علی الجمرة ظاهر در این است که جمره زمین بوده است.

یحیی بن سعید حلی: اجعل الجمار على يمينك، و لا تقف على الجمرة.[[1]](#footnote-1)

اگر جمره ستون باشد که متعارف نیست کسی روی ستون بایستد، لاتقف علی الجمرة ظهور در این دارد که جمره، مجتمع الحصی است.

### کلمات فقهاء عامه

محیی الدین النووی در کتاب المجموع ج 8 ص 176: المراد من الجمرة مجتمع الحصی فی موضعه المعروف و هو الذی کان فی زمان رسول الله صلی الله علیه و آله ... هذا الذی ذکرته هو المشهور و هو الصواب.

همچنین می گوید: اگر مردم جای دیگری سنگ بزنند، و به جمره شرعیه رمی نکنند، ولی شما به خود زمین سنگ بزنید، مجزی است، چون به وظیفه عمل شده است.

روضة الطالبین: لایشترط بقاء الحجر فی المرمی فلایضر تدحرجه و خروجه بعد الوقوع لکن ینبغی ان یقع فیه و لایشترط کون الرامی خارج الجمرة فلو وقف فی طرف و رمی الی الطرف الاخر جاز.

معلوم است که سنگ در ستون نمی ماند، بلکه در مجتمع الحصی می ماند.

الجاری فی فقه الشافعی: اذا رمی الحصاة و کان فی الجمرة محمل او کان فی الجمرة متاع فوقعت الحصاة علیه لم یجزئ حتی یقع فی مکان الحصاة.

در المدونة الکبری ج 1 ص 436 مالک می گوید: و ان وقعت فی موضع حصی الجمرة و ان لم تبلغ الراس اجزا.

معلوم می شود که جمره را موضع الحصی می داند.

مرآة المفاتیح از روضة المحتاجین نقل می کند: لو قصد الشاخص او حائط الجمرة لم یکف، و ان وقع فی المرمی کما یفعله کثیر من الناس.

محمد بن شربینی م 977 : ان قضیة کلامهم انهم لو رموا علی العلم المنصوب فی الجمرة او الحائط الذی بجمرة العقبة کما یفعله کثیر من الناس فاصابه ثم وقع فی المرمی، لایجزئ.

### شواهد روایی

در روایات کلام صریحی نداریم، اما تلویحا می فهمیم که جمره را مجمتع الحصی دانسته اند و نه خود ستون.

صحیحه معاویة بن عمار: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ‌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: فَإِنْ رَمَيْتَ بِحَصَاةٍ فَوَقَعَتْ فِي مَحْمِلٍ فَأَعِدْ مَكَانَهَا- وَ إِنْ أَصَابَتْ إِنْسَاناً أَوْ جَمَلًا- ثُمَّ وَقَعَتْ عَلَى الْجِمَارِ أَجْزَأَكَ.[[2]](#footnote-2)

اگر جمره همان ستون باشد، معهود نیست که سنگ به انسان بخورد و بعد به ستون برگردد، بلکه بر روی زمین می افتد، کما این که وقعت علی الجمار ظهور دارد در این که سنگ او بر روی سنگ ریزه ها افتاده است.

صحیحه بزنطی: وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع فِي حَدِيثِ رَمْيِ الْجِمَارِ قَالَ وَ اجْعَلْهُنَّ عَلَى يَمِينِكَ- كُلَّهُنَّ وَ لَا تَرْمِ عَلَى الْجَمْرَةِ- وَ- تَقِفُ عِنْدَ الْجَمْرَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ- وَ لَا تَقِفْ عِنْدَ جَمْرَةِ الْعَقَبَةِ.[[3]](#footnote-3)

کسی روی ستون نمی رود برای رمی کردن که حضرت از آن نهی کند، بلکه آن چه متعارف است، رفتن بر روی مجتمع الحصی است که حضرت از آن نهی فرموده است.

روایت عامی در کتاب اخبار مکه وارد شده که می گوید من در وسط جمره قرار گرفتم (انی توسطت الجمرة) و معلوم است که وسط ستون نمی توان رفت، بلکه مقصود وسط مجتمع الحصی است.

### شواهد تاریخی

در تاریخ قرن های اخیر معلوم است که مردم به اشتباه به ستون سنگ می زده اند، کما این که ابراهیم پاشا هم همین مطلب را گفت و در اضافه نیز گفته از فکاهیات حجاج این است که مردم سنگ های بزرگ می­آورند و تا مقداری از ستون را تخریب نکنند، آرام نمی شوند.

اما در تواریخ گذشته، معلوم است که مرمی، ستون نبوده، بلکه زمین را رمی می کرده اند.

رحلة ابن جبیر اندلسی ص 136در وصف جمره عقبه می گوید: و هی علی قارعة الطریق مرتفعة، للمتراکم بها من حصی الجمرات ... و بها علم منصوب و ذکر نظیره بالنسبة الی الجمرة الصغری و الوسطی.

اخبار مکی ازرقی ج 2 ص 176: در جمره عقبه علمی به عنوان نشانه بر جمره قرار گرفته است.

بعد ایشان می گوید اشکالاتی هم به ما شده و ما این ها را پاسخ می دهیم و آن دو روایت است که به عنوان مخالف این نظریه مطرح می شود:

روایت ابی غسان: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي غَسَّانَ حُمَيْدِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَمْيِ الْجِمَارِ عَلَى غَيْرِ طَهُورٍ- قَالَ الْجِمَارُ عِنْدَنَا مِثْلُ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ حِيطَانٌ- إِنَّ طُفْتَ بَيْنَهُمَا عَلَى غَيْرِ طَهُورٍ لَمْ يَضُرَّكَ- وَ الطُّهْرُ أَحَبُّ إِلَيَّ فَلَا تَدَعْهُ وَ أَنْتَ قَادِرٌ عَلَيْهِ.[[4]](#footnote-4)

از این روایت استفاده می شود که جمره، همان حائط است.

و لکن اولا: ابی غسان توثیق ندارد (البته بعدا خود ایشان ملتفت شده که اگر هم جعل کرده باشد، حکم شرعی را جعل کرده، نه آن چه را که تکوینا وجود داشته است.)

و ثانیا: حائط غیر از جدار و عمود است، بلکه ما یحیط بالشئ است، حوضچه های محیط به ستون ها، همان حائطات محیط به ستون ها است.

روایت عبد الاعلی: وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ رَمَى الْجَمْرَةَ بِسِتِّ حَصَيَاتٍ- فَوَقَعَتْ وَاحِدَةٌ فِي الْحَصَى قَالَ يُعِيدُهَا إِنْ شَاءَ مِنْ سَاعَتِهِ- وَ إِنْ شَاءَ مِنَ الْغَدِ إِذَا أَرَادَ الرَّمْيَ- وَ لَا يَأْخُذُ مِنْ حَصَى الْجِمَارِ الْحَدِيثَ.[[5]](#footnote-5)

پس معلوم می شود که وقوع الرمی فی الحصی کافی نیست.

بعد جواب می دهد که ما هم نگفتیم وقوع رمی در حصی کافی است، بلکه وقوع در مجتمع الحصی کافی است، سائل می گوید سنگ ما در سنگ هایی که پایین افتاده خورده است، حضرت می فرماید صحیح نیست، بلکه باید در حوضچه که مجتمع الحصی است قرار بگیرد.

علاوه بر این که در سند این روایت سهل بن زیاد قرار گرفته که سبب ضعف سند است.

1. [الجامع للشرائع؛ -- ؛ 210؛ الإحرام للحج و الخروج إلى منى و منها الى عرفات ثم المشعر و منى و قضاء المناسك بها ؛ ص : 204](http://lib.eshia.ir/10011/1/210) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 61؛ 6 باب أن من رمى و أصاب غير الجمرة لم يجزئه فإن أصاب غيرها ثم أصابها أجزأه ؛ ج 14، ص : 60](http://lib.eshia.ir/11025/14/61) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 65؛ 10 باب استحباب الوقوف عند الجمرتين داعيا و ترك الوقوف عند جمرة العقبة و استحباب جعل الجمرات على يمينه و رميهن من الوادي ؛ ج 14، ص : 64](http://lib.eshia.ir/11025/14/65) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 57؛ 2 باب استحباب الطهارة لرمي الجمار و عدم وجوبها له و عدم استحباب الغسل له ؛ ج 14، ص : 56](http://lib.eshia.ir/11025/14/57) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 269؛ 7 باب أن من نقص حصاة و اشتبهت وجب أن يرمي كل جمرة بحصاة و إن تعينت أتى بها و لو من الغد و جملة من أحكام الرمي ؛ ج 14، ص : 268](http://lib.eshia.ir/11025/14/269) [↑](#footnote-ref-5)